فَذَاكَ حِينَ بُلُوغٍ مِنْ نُبُوَّتِهِ

پس همین وحی در حین در هنگام بلاغت رسیدن شان بکمال از پیغمبری بود

فَلَيْسَ تُنْكَرُ فِيهِ حَالَ مُحْتَلِمِ

پس نیست کسیکه انکار کند در همان آنحضرت و حالانکه دیدن شان حقیقت را در وقت

تَبَارَكَ اللهُ مَا وَحْيٌ بِمُكْتَسَبٍ

یعنی بزرگ است الله تعالی که نیست وحی کسب کرده شده

وَلَا نَبِيٌّ عَلَى غَيْبٍ بِمُتَّهَمِ

نیست نبی بر غیب تهمت کرده شده

كَمْ أَبْرَأَتْ وَصِبًا بِاللَّمْسِ رَاحَتُهُ

بسیار سبک ساخت جنی را بسبب مساس کردن کف شان

وَأَطْلَقَتْ أَرِبًا مِنْ رِبْقَةِ اللَّمَمِ

رهاند کف شان جنی را از بند جنی گری

وَأَحْيَتِهِ السَّنَةَ الشَّهْبَاءَ دَعْوَتُهُ

یعنی زنده گردانید سالهای قحط را دعای شان

دعوت او قحط تنگی از جهان برداشتی

حَتَّى حَكَتْ غُرَّتًا فِي الْأَعْصُرِ الدُّهُمِ

تا که مشابهت پیدا کرد سالهای قحط سفیدی را در زمانهای سیاه

دَعْنِي وَوَصْفِي آيَاتٍ لَهُ ظَهَرَتْ

گذار تو مرا وصف کنم معجزاتی را که بر آنحضرت است ظاهر

ظُهُورَ نَارِ الْقِرَى لَيْلًا عَلَى عَلَمِ

مثل ظاهر شدن آتشی که می افروزند بر بالای کوه

فَالدُّرُّ يَزْدَادُ حُسْنًا وَهُوَ مُنْتَظِمٌ

اوصاف شان دریست که زیاده میشود از روی حسن و حالانکه در در رشته کشیده شده است

وَلَيْسَ يَنْقُصُ قَدْرًا غَيْرَ مُنْتَظِمِ

نیست کم شود در از روی قدر که غیر منتظم است

فَمَا تَطَاوَلَ آمَالُ الْمَدِيحِ إِلَى

پس نیست دراز امیدهای مدیح من بسوی آنچیزیکه در آنحضرت است

مَا فِيهِ مِنْ كَرَمِ الْأَخْلَاقِ وَالشِّيَمِ

یعنی از خوبی خلق ها و خوبی ها

Copyright © King Saud University

Created with PDFsharp 1.2.1269-g (www.pdfsharp.com)